مبنای نصف النهار دحو الارض و تقویم کره

(37:40)

شاگرد: هیچکدام از اینها نمی‌تواند حرف نهائی شما باشد.

استاد: حرف نهائی آن مبنایی بود که گفتم؛ وقتی ما برای بلدا چند گزینه داریم، مشکلی ندارید که اینها را طبق نصوص اثباتی اعمال کنیم. ولی اگر منظور نهائی باشد، باره عرض کردم؛ آن چه که در ذهن من است، این است: شروع اول هر ماه و پایانش، از روز اولی که خداوند متعال آفریده در علم الله معلوم است. آن چه که حرف نهائی است این است که آن را کشف کنیم. این است که سید می‌گوید من می‌فهمم چه زمانی اول ماه است. از روز اول هم معلوم است. حرف نهائی این است. ولی شما می‌گویید کاری با این نداشته باش.

شاگرد: نهائی در بلدا چیست؟

شاگرد۲: شما دو چیز می خواهید که باهم تعارض میشه؛ حرف نهایی در بلدا با کل بلد، دو چیز است

استاد: من با ادله اثباتیه -حتی مثل صم للروایه که مربوط به استصحاب است- مخالف نیستم. من با اعمال ادله اثباتیه ای که با ظاهر ادله استصحاب تعارض دارد، مخالف نیستم. البته اگر اعارض اصحاب را کاسر ندانیم؛ لذا تخییر بین ادله میشود. این در این مرحله است. اما یک وقتی است که می‌گوییم نهائی حرف چیست؟ نهائی حرف این است که تقویم جهانی بهمعنای اول خلقت تا آخر خلقت را توضیح بدهیم و به نحوی ترسیم کنیم که بدانیم در علم الله تعالی لحظه شروع دارد و از روز اول یک ضابطه ای را به کار میزنیم که همان ضابطه روایت عبید است. یعنی اولی که عالم خلق شد، نصف النهار دحو الارض زوالی داشت که نسبت به آن زوال و هلال آن، شروع ابتدای کار هر چه بوده تا الآن هم ادامه پیدا می‌کند. ولذا لیلة القدر واقعی بیست و چهار ساعته برای کره امر ثابتی است. برای خدا که تقویم به هم نمی ریزد. در کل بیست و نه روز و نیم، یک لیلة القدر بیست و چهار ساعته برای کل کره هست. این هم از اول خلقت تا آخر خلقت روشن و شفاف است. خدای متعال هم ملائکه را نزول میدهد. برای ما میماند که چطور اعمال کنیم؟ ادله اثباتیه برای اعمال ما چند طریق به دست ما داده است. یکی از آنها استصحاب است. یکی از آنها رؤیت قبل از زوال برای بلد خودمان بود. اما رویت مربوط به زوال نصف النهار دحو الارض، برای ترتب تکوینی از روز اول تا حالا، مطلب دیگری است.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 15:24:50 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 15:31:42 توسط ... .